

جلوه‌های قرآنی خطبه فدکیه - محسن قاسم پور

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۸ - ۲۴

جلوه‌های قرآنی خطبه فدکیه

محسن قاسم پور *

چکیده: حدیث مشهور ثقلین می‌رساند که کلام معصوم مکمل و مفسر است. سخنان حضرت فاطمه در خطبه فدکیه مشمول همین حکم کلی است. توحید، نبوت، اوصاف و ویژگی‌های خود قرآن و دفاع از ولایت علی علیه السلام هر کدام به گونه‌ای در کلام حضرت بازتاب یافته و هماهنگ و همسو با کلام وحی و در حکم تفسیر آن است. این مقاله آیات ناظر بر گفتار حضرت فاطمه را در ابعاد فوق‌الذکر مطرح کرده است. از رهگذر کار بست آیات شریفه قرآنی، از انحراف دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی پس از رحلت جانسوز پیامبر پرده‌برداری شده و در کلام ایشان با استفاده از وحی الهی تنبه و هشدار نسبت به مسئولیت‌های دینی، و ترغیب در شناخت آن و سرزنش در خصوص قصورهای این مسئولیت مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خطبه / فدکیه / حضرت فاطمه سلام الله علیها / تفسیر قرآن / ولایت.

فدک سرزمینی در حجاز و نزدیک مدینه و منطقه خیبر قرار دارد. شهرت این نام به ویژه وقتی بود که سپاهیان اسلام یهودیان خیبر را شکست دادند. پس از مشاهده این شکست، سران منطقه فدک متعهد شدند در برابر پیامبر تسلیم شده و هر سال نیمی از محصولات سرزمین خود را در اختیار ایشان قرار دهند و در عوض زیر سایه حکومت اسلامی به سلامت زندگی کنند. این منطقه سرزمین حاصلخیز به لحاظ کشاورزی و منبع مهم درآمد مردم این دیار به خصوص از طریق خرما بود. براساس روایات فراوانی که در منابع فریقین وجود دارد پیامبر این سرزمین را به دخترش حضرت فاطمه بخشید. پس از رحلت جانشوز پیامبر ﷺ ماجرای فدک شکل دیگری به خود گرفت و حق مسلم فاطمه در مورد فدک از سوی حاکمیت و جریان خلافت پس از رسول گرامی اسلام، از ایشان ستانده شد. حضرت فاطمه سلام الله علیها در جریان خطبه‌ای موسوم به خطبه فدکیه به این مساله تصریح فرموده و از رهگذر آیات قرآنی به این حق آشکار و غیرقابل انکار به آن استناد کرده است. در یک نگاه کلی جلوه‌های قرآنی این خطبه شایسته تأمل و بررسی است و این مقاله ابعاد آن را از نظر قرآنی بررسی نموده است.

۱. فدکیه در روایات فریقین

یکی از مؤلفه‌های مربوط به این موضوع کلی، بررسی روایات فریقین است.

۱.۱. روایات فدک در منابع اهل سنت

الف: حاکم حسکانی ذیل آیه شریفه ۲۶ سوره اسراء از ابوسعید خدری چنین روایت کرده است: و لما نزلت وأت ذا القربی حقه اعطی رسول الله فاطمه فدک. در روایتی دیگر سخن ابوسعید خدری چنین گزارش شده است: ولما نزلت هذه الایه، دعا النبى فاطمه و اعطاها فدکا. در حدیثی دیگر ابوسعید خدری چنین گفته است: لما نزلت علی رسول الله و ات ذا القربی حقه فاعطاه فدکا و العوالی و قال هذا قسم قسم الله لک ولعقبک. (شواهد

التنزیل ج ۱ ص ۲۳۸-۴۴۲). حسکانی روایت دیگری با همین مضمون از امام علی آورده است. (همان جا)

ب: خواریزی در باب فضائل فاطمه در کتاب مقتل الحسین و ابن کثیر همین روایت را از ابوسعید خدری آورده‌اند. (مقتل الحسین ج ۱ ص ۷۰؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۵ ص ۶۳) فاضل متقی نیز از تاریخ حاکم نیشابوری روایت فوق را آورده است (کنز العمال ج ۲ ص ۱۵۸، ج ۳ ص ۷۶۷) کاندهلوی در کتاب خود (حیات الصحابه ج ۲ ص ۵۱۹) و ابن ابی حاتم رازی (الجرح والتعديل ج ۱ ص ۲۵۷) و قندوزی (ینایع الموده صص ۱۱۹-۴۳۹) به نحوی به مضامین روایات بالا اشاراتی داشته‌اند.

۲.۱. روایات در منابع شیعی

افزون بر مصادر اهل تسنن، در منابع شیعی اعم از جوامع حدیثی و تفاسیر درباره فدک و مطالب مربوط به آن مباحثی آمده است. مثلا در تفاسیری مانند تبیان (ج ۶ ص ۴۶۸) مجمع البیان (ج ۶ ص ۶۳۴) صافی (ج ۳ ص ۱۸۶)، نور الثقلین (ج ۳ ص ۱۵۴)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز معروف به تفسیر عاملی (ج ۲ ص ۲۰۰) تفسیر نور (ج ۷ ص ۴۳) تفسیر گازر (ج ۵ ص ۲۹۱) تفسیر شبر (ج ۴ ص ۱۸) و تفسیر حقائق التاویل و دقائق التنزیل (ص ۷۳۳) که جملگی جزء تفاسیر شیعی‌اند، این موضوع آمده است.

۲. رمز پافشاری فاطمه بر فدک

یکی از پرسش‌های اساسی در ماجرای فدک، جستجو برای یافتن پاسخ به این سوال است که چرا بانوی بزرگ اسلام این همه بر فدک اصرار ورزیده است؟ در جواب به این سوال باید چنین گفت: تلاش برای به دست گرفتن و بازیابی فدک، نماد حق‌گرایی و کوشش برای تحقق عدالت در جامعه و در حکم مقدمه‌ای است برای احقاق حقوق معنوی اهل‌بیت و در راس آن، حق امامت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ. تامل در فرازهای بلند این خطبه و تأکید بر حقانیت و شایستگی امام اول در امر جانشینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نکته در خور توجهی است که از راز این پافشاری و اصرار در این موضوع پرده بر می‌دارد.

عبارات ناظر بر این موضوع از حضرت فاطمه که در فرازی از این خطبه آمده چنین است:

«آیا شما نسبت به عموم و خصوص قرآن از پدرم و پسر عمومیم آگاه‌تر و داناترید؟ این رسولی که از جانب خدا آمده اگر تحقیق کنید پدر من بود نه شما و در عقد اخوت پسر عمومی من بود نه شما، چه نسبت نیکویی میان آن دو است؟» (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ صص ۲۳۱، ۲۳۵)

از این عبارات چنین به دست می‌آید که فدک تنها ابزاری برای بیان هدف و غایتی مهم‌تر یعنی امر جانیشینی پیامبر ﷺ و امامت مسلمین، مورد استناد این بانوی بزرگ جهان اسلام قرار گرفته است.

تأکید بر نادرستی استنباط جریان خلافت وقت در ماجرای فدک و آشکار ساختن انحراف ایجاد شده در مسیر استنباط دینی- فرهنگی توسط حاکمان، نکته‌ای است که در فرآیند این مباحثه و احتجاج توسط حضرت فاطمه تبیین گردیده است. به بیان دیگر، فاطمه سلام‌الله‌علیها نارضایتی از حکومت و ایجاد بدعت در برابر نص جانیشینی نبوت (امامت) را همزمان با دفاع از حق غصب شده یعنی فدک مطرح کرد. مواجهه حاکمیت بعد از رحلت پیامبر به ویژه در سه دهه اول، نشان از اتحاد یک استراتژی خاص در مقابل تفکر علوی و فاطمی است. در مقابل این جریان انحرافی و متعمدانه، حضرت فاطمه به مثابه عترت پیامبر و مفسر راستین وحی الهی، با استفاده از آیات قرآنی و یا مضامین آن به روشنگری اهتمام ورزیدند.

کوشش فاطمه سلام‌الله‌علیها در جریان خطبه فدکیه در نوع خود، هم بیانگر سنت قولی اوست و هم از سنت فعلی و رفتاری ایشان حکایت دارد. در سنت قولی اصل قرار دادن و پرداختن به مقولاتی مانند توحید، نبوت و شخصیت حضرت رسول و نیز معرفی ویژگی‌های کتاب الهی، همه برای اثبات این نکته است که چگونه و چرا جامعه بعد از پیامبر دچار چنین وضعیتی گردید، علل و عوامل آن چیست؟ و در نهایت فرجام چنین



بازگشتی به سنت‌های کور جاهلیت چه خواهد بود؟ این همه به نوعی در سخنان ایشان بازتاب یافته است؛ گرچه بررسی و تحلیل همه این موارد از حد این نوشتار بالاتر بوده و مجالی دیگر می‌طلبد اما در عین حالی محورهای اساسی این موضوع را در ادامه می‌آوریم.

۳. باز تاب قرآن در کلام فاطمه سلام الله علیها

بی‌تردید خطبه فدکیه در نوع خود تفسیر آیات قرآن است. سنت به طور اعم و سنت قولی به طور اخص مکمل و مفسر قرآن است. این مهم در گفتار فاطمی نیز به چشم می‌خورد. خطبه فدکیه در جای خود تفسیر آیات الهی است. انعکاس این آیات و عبارات گاهی عیناً در خلال سخنان حضرت صدیقه کبری به کار رفته است برخی از این آیات و عبارت چنین‌اند:

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۱۰۳)
۲. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. (فاطر، ۲۸)
۳. وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا. (آل عمران، ۱۰۳)
۴. كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ (مائده، ۶۴)
۵. وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، ۸۵)
۶. أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (مائده، ۵۰)
۷. وَ وَرِثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ (نمل، ۱۶)
۸. فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا رِثْنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ (مریم، ۵-۶)
۹. يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمُ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ (نساء، ۱۱)
۱۰. إِنْ تَرَكَ خَيْرًا لَوْصِيَّةً لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (بقره، ۱۸۰)
۱۱. لِكُلِّ نَبِيٍّ خَبْرٌ مُسْتَقَرٌّ (انعام، ۶۷)
۱۲. وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران، ۱۴۴)

۱۳. قَالَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (توبه، ۱۳)

و بسیاری آیات دیگر. این قبیل آیات قرآن به مثابه شواهد قرآنی در ضمن بحث حضرت سلام الله علیها با خلیفه ابوبکر و اجتماع آن روز مورد استناد قرار می‌گیرد. آیاتی که افاده آنها به مقصود مورد نظر حضرت در خلال گفتار حضرتش روشن است.

در این بخش محورهای مهم قرآنی را ابعاد توحیدی، رسالت محمدی، وصف قرآن و ولایت که در کلام حضرت فاطمه آمده، بررسی و مرور می‌کنیم.

۱.۳. محور توحید قرآنی در کلام حضرت

۱-۱-۳. در کلام فاطمی و بر اساس این سخنان استوار و جاودان، بعد از حمد و ثنای الهی به خاطر نعمت‌های فراوانی که در جهان هستی گسترده است، می‌خوانیم: «جم عن الاحصاء عددها» یعنی «خیرات و خوبی‌های پروردگار از شماره و اندازه و احاطه بیرون است» اشاره است به آیه شریفه قرآنی «وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» (نحل، ۱۸، ابراهیم، ۳۴). این کلام حضرتش با توجه به معنای احصاء که تحصیل با عدد و به دست آوردن با شماره است (راغب‌اصفهانی، ماده حصی) بهتر فهم می‌شود؛ به این ترتیب که هیچ انسانی در رابطه با هدایت انسانی خود به هیچ چیز نیاز ندارد، مگر آنکه خداوند آن را برآورده می‌سازد (المیزان ج ۱۲ ص ۶۰). لذا این آیه به معنای آن است که نعمت‌های خدا از محدوده عدد و شماره بیرون است و انسان قادر به شمارش آن نیست عالم وجود با تمامی اجزاء و اوصاف و احوالش نعمت‌های خداست و با توجه به مفرد به کار رفتن آن مراد جنس نعمت است (همان جا) اگر دقت کنیم پس از این عبارت، عبارت ظلوم و کفار بودن برای انسان به کار رفته است. (ابراهیم، ۳۴) استفاده از این آیه با توجه به عبارت مذکور توسط حضرتش به مثابه تذکار به انسان‌های ناسپاس است که در پاسداشت نعمت ولایت نکوشیدند و نمی‌کوشند. و با توجه به حق بودن علی و اذعان درونی آنان نسبت به این حق، از پذیرش آن استنکاف ورزیدند و می‌ورزند. و این چیزی جز ناسپاسی و

حق ناشناسی آنان ناشی نمی‌شود.

۳-۱-۲. حضرت فرموده «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کلمه جعل الاخلاص تاویلها و ضمن القلوب موصولها» یعنی شهادت می‌دهم معبودی جز الله نیست و او یکتا و بی‌شریک است و البته تاویل یا نتیجه این کلمه (شهادت به وحدانیت) اخلاص است و حقیقت توحید و اخلاص فطری قلوب و دل‌هاست. این بخش از کلام حضرت زهرا می‌تواند به آیه شریفه «فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک دین القیم» (روم، ۳۰) مستند باشد. یعنی فطری بودن و فطری بودن گرایش به خدا سرشتی است که خدا در طبیعت همه آدمیان به ودیعت نهاده و حضرت نیز آن را در گفتار خود تصریح کرده‌اند... همچنین با مضمون آیه شریفه ۶۵ سوره عنکبوت متناظر است: «هنگامی که سوار کشتی می‌شوند خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند) اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رسانید و نجات داد باز مشرک می‌شوند». این آیه تکیه بر اخلاص است. این که گرایش به خدا از مکنونات فطری و درونی آدمیان است.

۳-۱-۳. حضرت فرمود: الممتنع من الابصار روءیته ومن الالسن صفته. یعنی: اندیشه‌های ما از ادراک ذات او در مانده و زبان از بیان و تقریر اوصافش قاصر است. درک حضرت حق با چشم‌های ظاهری محال و ممتنع است. این عبارات با آیاتی نظیر: فسبحان الله رب العرش عما یصفون (انبیاء، ۲۲)، سبحان الله عما یصفون (مؤمنون، ۹۱) لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو الطیف الخبیر (انعام، ۱۰۳) هماهنگ است. این قبیل آیات شناخت مخلوق را که دارای محدودیت فکری است پایین‌تر از آن می‌داند که بر حق تعالی احاطه یابد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه همین مضامین را که آورده بر اساس آن نه عقول بر کنه صفات الهی آگاه شده و نه خداوند آنها را از معرفت و شناختش باز داشته است. (نهج البلاغه خطبه ۴۹، ۱۸۶)

۳-۱-۴. حضرت می‌فرماید:

«ابتدع الاشياء لا من شيء كان قبلها و انشأها بلا اقتداء امثله امتثلها و ذراها تسميه من غير حاجه الى تكوينها یعنی: همه موجودات را بی هیچ سابقه و ماده به مرحله ظهور و هستی آورد و اشیاء را بی سابقه بدیل و مثال و شکل و نظیر ایجاد کرد و با مشیت خود و بدون در نظر گرفتن نفعی مراتب هستی را تصویر و تنظیم کرد». این جمله را می‌توان با آیات: الحمد لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائكة رسلا (فاطر، ۱)، «والله ملك السموات والارض يخلق ما يشاء (شوری، ۴۹) و نیز با آیه «يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير. بديع السموات والارض و اذا قضى الله امرا فانما يقول له كن فيكون (بقره، ۱۱۷) هم‌گون فرض کرد.

۲.۳. محور نبوت در کلام فاطمه بر اساس قرآن

بخش‌هایی از گفتار حضرت، از جهت موضوع نبوت با آیات قرآنی هماهنگ و بلکه تفسیر آن است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت: در این خطبه در فرازهای گونه‌گون، مسئله نبوت و متنی که خدا از رهگذر آن بر آدمیان دارد، مورد تأکید حضرت قرار گرفته است. این که اعراب قبل از بعثت در وضع بدی قرار داشتند، خوار و ذلیل بودند و در زیر چنگال دیگران از هیچ اختیاری برخوردار نبودند تا این که خداوند بر آنها منت گذاشت و پیامبری را انتخاب کرد و به سوی آنان گسیل داشت؛ نمونه این تصریحات توسط حضرت فاطمه در این خطبه است.

۳-۲-۱. بیانات فاطمه سلام‌الله‌علیها یادآور کلام امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه است آن جا که امیرمؤمنان عليه السلام اوضاع پیش از بعثت پیامبر را چنین ترسیم کرده است: «خدا محمد را به رسالت مبعوث ساخت تا جهانیان را بیم دهد و او را امین دستوره‌های آسمانی خود قرار داد. در آن حال شما گروه عرب بدترین آیین را داشتید، در بدترین سرزمین‌ها زندگی می‌کردید، در بین سنگ‌های خشن و مارهای گزنده می‌خوابیدید، از

آب تیره می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و پیوندهای خویشاوندی را قطع می‌نمودید و... (نهج البلاغه، خطبه ۲۶)

فاطمه در راستای همین سخنان در اثنای خطبه فدکیه چنین فرموده است: وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا نَبِيُّهُ، تَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ، وَ تَسْتَقْسِمُونَ بِالْأَزْلَامِ، مَذَقَةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِئِ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَاذِلَةَ خَاسِئِينَ... (دلایل الامه ص ۱۰۹). شما پیش از این، بر پرتگاه آتش سوزان گرفتار و در بند بودید. یک طعمه بیش نبودید. زیر چنگال دیگران هیچ اختیار و قدرتی نداشتی و زیر پای دشمن بودید. آب کثیف و طعام‌های پست می‌خوردید ذلیل و خوار بودید.

۲-۲-۳. فاطمه سلام‌الله‌علیها پس از آن در این خطبه، عبد بودن پیامبر را قبل از نبوت مورد تصریح و تأکید قرار می‌دهد و می‌فرماید:

اشهد ان ابی محمدا عبده و رسوله. این گفته در واقع تفسیر آیه اول سوره اسراء است. یعنی آیه «سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله...» تأکید بر عبد بودن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از نبی بودن، نکته‌ای است قرآنی که در سخن فاطمه انعکاس یافته است.

۳-۲-۳. بانوی اسلام در جایی از سخنانش به این پیش‌بینی قرآن اشاره دارد که اگر محمد از دنیا رفت، شما به جاهلیت و فرهنگ گذشته خود برمی‌گردید و آیه کریمه «وما محمد الا رسول الله قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه فلن یضره الله شیئا وسیجزی الله الشاکرین» (آل عمران، ۱۴۴) را بر آنها تلاوت کرده است. عبارات ایشان چنین است... وازیلت الحرمه عند مماته فتلك والله النازله الکبری والمصیبه العظمی لا مثلها نازله ولا بائقه عاجله اعلن بها کتاب الله جل ثناوه فی افنیتمکم، فی ممساکم و مصبحکم... (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۶) عبارت «انقلاب بر اعقاب» یعنی برگشت از دین به کفر، یعنی آنکه اگر رسول خدا از دنیا برود آنان از دین خدا بر می‌گردند چون غیر از منافع دنیوی خود هیچ اندیشه دیگری در سر نمی‌پروراندند.

حضرت فاطمه می‌فرماید: با ارتحال پیامبر، حرمت‌ها ریخت و فاجعه بی‌احترامی به ارزش‌های دینی و نبوی و انحراف از حق پدید آمد. این وضعیت چگونه تحقق می‌یابد؟ باید چنین گفت تنها و تنها این گرایش به کفر و پشت پا زدن به ایمان و گرایش به جاهلیت است که فرد را وا می‌دارد، این چنین در مقابل نص کلام نبوی و توصیه‌های او جبهه گیرد.

۳-۲-۴. آیات دیگری نظیر ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین (احزاب، ۴۰) و یا آیه محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار (فتح، ۲۹) مورد استناد فاطمه سلام الله علیها قرار می‌گیرد.

۳-۲-۵. جمله «نبیه وامینه علی الوحی» در سخن ایشان با آیه شریفه «انی رسول امین» (شعراء، ۱۷۸) که برای پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، لوط، صالح، موسی به کار رفته - و بالتبع وصف حضرت رسول ﷺ نیز هست - متناظر است. این نگاه از حضرت فاطمه در خصوص امانتداری پیامبر و امین بودن در وحی را باید تابع این نظریه دانست که پیامبران به طور اعم و پیامبر اسلام به طور اخص «امناء خدا در میان خلق‌اند». توصیف امامان معصوم در زیارتنامه معروف امین‌الله «السلام‌علیک یا امین‌الله فی ارضه» ناظر و گواه دیگری است بر این معنا. ذیل آیه شریفه «و أنذر عشیرتک الاقربین» آمده است: بعد از نزول این آیه پیامبر بر کوه صفا بالا رفت و بنی عبدالمطلب و بنی عبد مناف را صدا زد. آنها جمع شدند. فرمود: بگویید ببینم اگر من به شما خبر دهم لشکر عظیمی از کنار این کوه به سوی شما می‌آید آیا می‌پذیرید یا نه؟ همه گفتند آری! ما هرگز دروغی از تو ندیدیم. فرمود: بنابراین بدانید که من شما را از عذاب الهی بر حذر می‌دارم. (ابن اثیر، ج ۲ ص ۶۰)

۳-۲-۶. حضرت فرمود: وانا ابنة نذیر لکم بین یدی عذاب شدید فاعملوا انا عاملون».

می‌توان گفت به آیه شریفه «ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» (سبا، ۴۶) مستند است.

۳-۳. اوصاف قرآن از منظر خطبه فدکیه

محور دیگری در بین کلام حضرت فاطمه وجود دارد که ترسیمی است از اوصاف کلام الهی. در این خصوص جملات و گفتار حضرت را با هم مرور می‌کنیم. **لله فيكم عهد قدمه إليكم و نحن بقية استخلفنا عليكم و معنا كتاب الله بينة بصائره و آي فينا منكشفة سرائره و برهان منجلية ظواهره.** (بلاغت النساء، ص ۲۸) یعنی: برای خدا در میان شما عهد و پیمانی است و آن این که رسول خدا را در بین شما امانتی بزرگ و دیعه‌ای بسیار بزرگ و با عظمت باقی گذاشت و آن قرآن است. کتاب ناطق، قرآن صادق، نور ساطع و پرتو درخشان، مجموعه حقایق و قوانین و حجت‌های الهی در این کتاب واضح و روشن گردیده است.

در این بیانات صراحت و روشنگری قرآن، صدق کلام الهی و آشکار بودن حقایق آن مورد تصریح حضرت قرار گرفته است. در قرآن آیاتی آمده که به نحوی با سخن حضرت فاطمه ارتباط منسجمی دارد مانند:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (مائده، ۱۵)

وَلَدِينَا كِتَابًا يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (مومنون، ۶۲)

وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ (نحل، ۸۶)

وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُدَقَّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (فاطر، ۳۱)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالصَّدَقِ (زمر، ۳۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (نساء، ۱۷۴)

در هر یک از این آیات خصوصیتی از قرآن آمده است، مثلاً: قرآن کتابی است که به حق سخن می‌گوید و با حق است، نباید آیات و مضامین آن را غیر واقعی و دروغ شمرد - چیزی که از سوی مشرکین صورت پذیرفت - و سرانجام آن که قرآن روشننگر است و نور مبین.

بدین سان با کنار هم نهادن چنین آیاتی با سخن بانوی بزرگ اسلام به خوبی پیوند

قرآن و عترت را خاطر نشان می‌سازد.

۳-۴. کلام حضرت در دفاع از ولایت بر اساس آموزه‌های قرآنی

یکی دیگر از محورهای مهم در خطبه فدکیه دفاع پر صلابت حضرت از ولایت و جانشینی بر حق امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان امام امت مسلمان است. همانگونه که پیش از این آمد، اساساً طرح اعتراضی موضوع فدک، صرفاً به مثابه وسیله‌ای مشروع برای غایتی مقدس یعنی تلاش برای تحقق موضوع بسیار مهم ولایت، به شمار می‌آید. حضرت در این زمینه چنین فرموده است:

أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غُلْطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ - وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ وَ نَعِمَ الْمَعَزِيُّ إِلَيْهِ ... (کَلِمًا) نَجْمَ قَرْنِ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذْفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكِفِيُّ حَتَّى يَطَّأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَ يُخَمِّدَ لَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا دُؤُوبًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ مَجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا، مُجِدِّدًا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مِنَ الْعَيْشِ، وَ أَدْعُونَ فَآكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَتَكَبَّرُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ، ... أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَذْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ - وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ.

ای مردم (آگاه باشید) من فاطمه‌ام و پدرم محمد است. گفتارم تماماً از سر صدق بوده و از غلط و نادروستی به دور است. از من هرگز کلام بی‌جا و رفتار بی‌ربط سر نمی‌زند.... او پدر من بود نه هیچ یک از زنان شما. و برادرش (در پیمان اخوت)، پسر عموی من بود نه شما. چه نسبت نیکویی میان آن دو است. هر گاه شاخ شیطان خود را بیرون می‌کرد یا توسط گروهی از مشرکان فرمان بغض و عدوات خود را می‌گشود برادر او علی بن ابی‌طالب را برای مقابله و دفع آنها اعزام می‌کرد و علی علیه السلام از هیچ مأموریتی بی‌نتیجه باز نمی‌گشت؛ بال و پر دشمن را زیر پای خود می‌گذاشت و شعله‌های آتش مخالفین را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت، با اخلاص و برای خدا

بود و در امر الهی نهایت کوشش خود را ایفا می‌کرد. وی نزدیک‌ترین مردم به پیامبر ﷺ و سرور اولیاء الهی بود. او خیرخواه، جدی و پر تلاش بود از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسید (وقتی این کارها را می‌کرد) که شما در اوج رفاه و کمال آسودگی بودید.... شما هنگام حمله دشمن فرار کرده و از جنگ می‌هراسیدید.

آگاه باشید می‌بینم شما میل به رفاه و آسایش دنیا دارید و دست از کسی که سزاوار امامت و جانشینی پیامبر خداست برداشته‌اید. (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۱)

این موارد، اعتراض و انکاری است آشکار، بر آنچه که بعد از پیامبر بر سر امت اسلام آمده است. افزون بر آن که فاطمه سلام‌الله‌علیها خود شاهد ماجرا بوده و کلام پدر گرامی خود حضرت ختمی مرتبت را در غدیر خم شاهد بوده و شنیده، از رهگذر آیاتی از قرآن هم که به موضوع ولایت و امر خطیر جانشینی پیامبر ﷺ اشعار دارد در خلال خطبه فدکیه به این موضوع پرداخته است. گویی بر اساس آموزه قرآنی «وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم» (بقره، ۱۴۳) فاجعه باز گشت به سنت‌های جاهلی را پیش‌بینی می‌کرد؛ فاجعه بی‌اعتنایی به دستور مهم قرآنی و نبوی یعنی تداوم مسیر نبوت از طریق تبلور ولایت علی علیه السلام که متأسفانه آنگونه نشد. در این سخنان فاطمه سلام‌الله‌علیها هدف و غایات دینی - قرآنی را بالاتر از اشخاص می‌داند. آموزه‌های قرآنی و توصیه‌های پیامبر در راستای اهداف بلند و متعالی الهی است. بازگشت به گذشته و سنت‌های جاهلی یعنی عدم اعتنا به قواعد و سنت‌های بنیان نهاده شده توسط قرآن و پیامبر ﷺ بالاخره پیامبر روزی از دنیا رحلت می‌کند چنان که پیامبران قبلی چنان بودند آیا اسلام و قواعد دینی قائم به شخص است؟ یا آن که سنت‌های الهی و آموزه‌های نبوی پس از او توسط جانشینانش باید تداوم یابد؟ آنچه پس از پیامبر پیش آمد، خلاف این توصیه قرآنی بود و فریاد فاطمه در راستای بی‌اعتنایی به چنین آموزه قرآنی بود. این فرازها از کلام فاطمه سلام‌الله‌علیها با توجه به

آیه دیگری از قرآن که در سوره مائده آمده یعنی آیه شریفه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک وان لم تفعل فما بلغت رسالته (مائده، ۶۷) هماهنگ و در ارتباط است.

۳-۵. استدلال حضرت به ارث مال بر اساس آیات قرآنی

یکی از جهات مهم این خطبه، استدلال حضرت به ارث (مالی) است. ایشان به مسأله ارث که می‌رسند خطاب به مهاجر و انصار فرمودند: «ایها المسلمون أغلب علی یرثی؟ یابن ابی قحافه! أ فی کتاب الله أن تَرثَ أباکَ و لا ارثَ أبی؟ لَقَدْ جِئْتُمْ شِیْئًا فَرِیًّا (کشف الغمه، ج ۱ ص ۴۸۹) ای مسلمانان آیا شایسته است که من از ارث خود محروم باشم؟ ای ابوبکر آیا در قرآن آمده که تو ارث می‌بری ولی من از پدرم ارث نمی‌برم؟ آنگاه حضرت فرمود: به راستی کار ناپسندی مرتکب شده‌ای! در ادامه خطبه چنین گفتند: أفعلی عمداً تَرَکْتُمْ کِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمْوهُ و رَاءَ ظُهُورِکُمْ إِذْ یَقُولُ: وَ وَرَثَ سَلِیْمَانَ دَاوُدَ، وَ قَالَ فِیْمَا أَقْتَصَّ مِنْ خَبْرِ یَحْیَى بْنِ زَکَرِیَّا إِذْ قَالَ: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِیًّا یرثنی و یرثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ، وَ قَالَ: وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بَعْضٍ فِی کِتَابِ اللَّهِ وَ قَالَ: یُوصِیکُمُ اللَّهُ فِی أَوْلَادِکُمْ لِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِیِّنَ وَ قَالَ: إِنْ تَرَکَ خَیْرًا الْوَصِیَّةُ لِلْوَالدِیْنِ وَ الْأَقْرَبِیْنَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِیْنَ (احتجاج ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۴)

آیا کتاب خدا را عمداً ترک کرده و احکام آن را پشت سرانداختی؟ خداوند در قرآن می‌فرماید: و سلیمان از داود ارث برد (نمل، ۱۶) و نیز در مسئله تولد یحیی نقل کرده که زکریا گفت: خداوند از سر احسان به من پسری عطا فرما که پس از من متولی امور و وارث من و آل یعقوب باشد. (مریم، ۵)... آنگاه حضرت با استناد به آیاتی نظیر: ۷۵ سوره انفال، ۱۱ سوره نساء و ۱۸۰ سوره بقره به مسئله عمومی ارث که اطلاق دارد و انبیاء هم شامل آن می‌شود به حقانیت خود در مسأله فدک استشهاد کردند. ایشان در این زمینه فرمودند:

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حِطَّوَةَ لِي وَ لَا ارْثَ مِنْ أَبِي وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أ فَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيَّةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أ وَ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ (احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۱ ص ۲۳۵)

شما پنداشتید برای من نصیبی و ارثی از سوی پدرم پیامبر ﷺ نیست؟ و یا (فکر می‌کنید) هیچ قرابتی بین ما نیست؟ نکند گمان کرده‌اید که من و پدرم از یک آیین نبوده و از هم ارث نمی‌بریم؟! آیا شما از پدرم و پسر عمویم به عموم و خصوص آیات قرآن داناترید؟ این سخنان، استناد به آیاتی است که مربوط به انبیاء وارث بردن از آنها و یا مربوط به مطلق بهره‌گیری از ارث برای همه است. لذا با قاطعیت نسبت به مورد دستبرد قرار گرفتن ارث موضع‌گیری می‌کنند و می‌فرمایند:

إِيهَاءَ بَنِي قَيْلَةَ! أ أَهْضِمَ تَرَاثُ أَبِي- وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِّي وَ مَسْمَعٍ وَ مُتَدَّى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَيْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ؟

ای گروه انصار شما حاضر و ناظر باشید و (در عین حال) میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد؟ شما مشمول دعوت من و در معرض امتحان من قرار دارید و شما برخوردار از سلاح هستید... عبارت «أهضم» در این جا به کار رفته یعنی شما نظاره‌گرید و ارث مرا می‌برند. در خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه که به هنگام به خاک سپردن سرور زنان حضرت فاطمه و در کنار قبر پیامبر و در سوگ همسرش بیان کرده، نیز همین کلام آمده آنجا که امام علی عليه السلام خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید:

و ستنبثک ابنتک بتضافر امتک علی هضمها... (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲) به زودی دختری تو را خبر دهد که چگونه امت جمع شدند و بر او ستم کردند. (ارث او را ربودند و هضم کردند). بنابراین، این تفسیر که منظور از ارث، ارث مال است، تفسیری است محکم که از سوی فاطمه سلام‌الله‌علیها بیان شده است. عمومات و محکومات هم حاکم‌اند و دلیل خاصی هم وجود ندارد که بتوان براساس آن بخواهیم از این اطلاق دست برداریم.

نتیجه‌گیری

۱. کلام حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در ماجرای فدک در حقیقت گونه‌ای از تفسیر آیات قرآن در ابعاد گونه‌گون معارف قرآنی به شمار می‌آید.

۲. سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها به ظاهر دفاع از حق پایمال شده ایشان توسط حاکمیت و مدرسه خلافت است، اما به واقع در ورای آن دفاعی است پر صلابت از ولایت علی علیه السلام.

۳. فاطمه سلام الله علیها از رهگذر خطبه فدکیه انحراف ایجاد شده پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط مدرسه خلافت را برجسته کرده است. توجه به نقش عترت در مقام فهم دین و ولایت مسلمانان، از رهنمودهای غیرقابل انکار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در سخنان حضرت فاطمه سلام الله علیها بازتاب وسیعی یافته است. افزون بر آنکه خود ایشان به عنوان یکی از معصومان و خاندان عترت مطرح است و سخنانشان در این مقام، از حجیتی تام برخوردار است. تأکید بر ادامه راه نبوت و جانشینی پیامبر اسلام به وسیله امام علی علیه السلام نیز از رهگذر این خطبه شاخص و آشکار است.

۴. توحید، نبوت، اوصاف و ویژگی‌های خود قرآن بر مبنای آیات قرآن در سخنان حضرت فاطمه در خطبه فدکیه برجسته تر می‌نماید. تأکید بر توحید محوری و توجه به جایگاه نبوت و شخص حضرت ختمی مرتبت در دین بر مبنای آیات قرآن، بیانگر این نکته است که رفتار مسلمانان باید بر مبنای آن تفسیر شود اما، حوادث پس از رحلت پیامبر و بازگشت به باورهای انحرافی جاهلیت یکسر با آنچه که آموزه‌های قرآن بر آن تأکید دارد متمایز است.

۵. کار بست آیات قرآن به طور مستقیم و غیرمستقیم در خلال گفتار حضرت فاطمه سلام الله علیها چشمگیر بوده، به گونه‌ای که مستندی است استوار بر سخنان ایشان.

منابع

علاوه بر قرآن و نهج البلاغه

۱. حسکانی، عبیدالله بن احمد. **شواهد التنزیل**، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۴۱۱.
۲. خطیب خوارزمی، موفق بن احمد، **مقتل الحسین**، انوار الهدی، قم، بی تا.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر قرآن العظیم**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹.
۴. کانددهلوی، محمدیوسف، **حیاه الصحابه**، تحقیق بشار عواد، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۲۰.
۵. ابن ابی هاتم رازی، **الجرح والتعدیل**، دارالحیاه التراث العربی، بیروت، بی تا.
۶. قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، **ینایع الموده**، تصحیح دارالکتب العراقیه، نشر بصیری، قم، بی تا.
۷. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی التفسیر القرآن**، دارالحیاه التراث العربی، بیروت، بی تا.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۹. فیض کاشانی ملامحسن، **الصافی فی تفسیر القرآن**، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵.
۱۰. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، **نور الثقلین**، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵.
۱۱. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۱۲. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، **جلاء الاذهان وجلاء الاحزان (تفسیر گازر)**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. شبر، سیدعبدالله، **تفسیر شبر**، نشر دارالبلاغه لطباعه والنشر، بیروت، ۱۴۱۲.
۱۴. حسنی، ابوالکرم، محمود بن محمد، **تفسیر حقائق التاویل ودقائق التنزیل**، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۱.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، **احتجاج**، ترجمه بهرادر جعفری، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. اربلی، ابن ابی الفتح، **کشف الغمه**، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۵.
۱۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۸. ابن ابی طاهر (ابن طیفور)، **بلاغات النساء**، المكتبه الحیدریه، بی تا.

